



چقدر پایبند وجدان کاری و انضباط اجتماعی هستیم؟

منافع شخصی، پاشنه آشیل وجدان کاری

زهرا هنربخش

همه آدم‌ها وجدان دارند، اما اینکه چقدر به آن اهمیت می دهند و آیا وجدان را در انجام کارهای روزانه خود در نظر می گیرند یا نه، قابل تأمل است. وجدان به نیروی درونی در ذهن انسان‌ها که خوب و بد یک رفتار را با آن می‌سنجد، گفته می‌شود. وجدان آ‌مادگی، تفکر یا قضاوتی است که در تشخیص درست از نادرست به افراد کمک می‌کند؛ قضاوت درباره رفتارها بر پایه ارزش‌ها یا هنجارها.

■ **همه وجدان دار بسم، اما منافع شخصی مانع می‌شود**

هر فردی از بدو تولد به صورت ذاتی و درونی روحیه‌ای خداجو و خیرخواهانه دارد. گرایش به خوبی‌ها در او وجود دارد و بدی‌ها را نفی می‌کند، اما شرایط محیطی و نوع زندگی انسان‌ها سبب می‌شود تا وجدان آنها به نحوی که در آن قرار دارند شکل بگیرد.

بدون شک هیچ کودکی از ابتدا خلاق‌کار، پر خاش‌گر، جامعه‌سنجی یا جانی نیست، شخصیت و رفتار افراد در محیط پیرامون خود و تحت شرایط زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. کسی که وجدان دارد در همه حال قانون و ضوابط اجتماعی را در نظر می‌گیرد و به آن عمل می‌کند، منافع خود را بر منافع دیگران ترجیح نمی‌دهد، از موقعیت‌های پیش آمده در محیط کار و زندگی به نفع خود سوءاستفاده نمی‌کند، به حقوق دیگران احترام می‌گذارد و در جهت حفظ آن می‌کوشد.

بیشترین زمان‌هایی که انسان وجدان را نادیده می‌گیرد مربوط به زمانی است که منافع شخصی‌اش در میان باشد و در واقع منافع شخصی پاشنه آشیل وجدان کاری است. کارمندی که از حضور نداشتن مدیر برای راحتی خود در محیط کار استفاده و کم کاری می‌کند، ورود و خروج به محل کار بدون در نظر گرفتن نظم و قاعده اداری است و مسائل زندگی شخصی‌اش را درون محیط کار می‌آورد و دیگر همکاران را با رفتارهای منمفعت‌طلبانه خود آزار می‌دهد یا کار ارباب رجوع را بی‌دلیل و از روی تنبلی به آینده موکول می‌کند و دیگران را معطل خود می‌گذارد، همه‌ا نمونه‌های

سبک اخلاق

■ **حجت‌الاسلام علیرضا فرهنگ***

از مهم‌ترین مسائلی که باید به دقت به آن توجه کنیم صداقت در رفتار، گفتار و کردار است. متأسفانه گاهی اوقات گفتار و رفتار ما انسان‌ها با هم مطابقت بیشتری صداقت در رفتار بهترین راه اثر گذار بر قلب و دل مخاطب است. کسانی که با کردارشان و عملکرد خوب خود نسبت به وظایفی که دارند به خوبی عمل می‌کنند، در واقع بدون هیچ ادعایی با همین روش، اثر گذاری خود را دارند. از این جهت است که یکی از اصحاب امام ششم می‌گوید امام صادق (ع) به من فرمودند: «مردم را غیر از زبان تان دعوت به دین کنید تا زندگی شخصی‌اش را درون محیط کار می‌آورد و خوشننداری را از شما مشاهده کنند.» از این جهت اثر رفتار صادقانه از گفتار صادقانه بیشتر است، چراکه گفتار صادقانه هر چند بر کات زیادی دارد اما رفتار چون زبان جسم و عمل است در مخاطب تأثیری به مراتب بیشتر و بهتر می‌گذارد. البته این گفتار صادقانه است که باعث رفتار صادقانه می‌شود. از این رو به چند اثر از آثار رفتار صادقانه که منشأ بر کات بسیاری در زندگی انسان‌هاست، اشاره می‌کنیم.

■ ■ ■

۱.**امنیت روحی و روانی:** یکی از آثار مهم رفتار صادقانه ایجاد امنیت روحی و روانی در زندگی است. زن و شوهری که در رفتار خود نسبت به یکدیگر صداقت بیشتری می‌خرج می‌دهند، از نظر روحی و روانی از آرامش بیشتری برخوردارند. از این‌ج جهت یکی از آثار رفتار صادقانه در روایات از زبان ذریاب امیرالمؤمنین (ع) آرامش ذکر شده است. در مقابل این رفتار صادقانه می‌توان به رفتارهایی اشاره کرد که توأم با نفاق و دورویی و قول‌هایی است که به مرحله عمل در نمی‌آید و فقط برای اغنای لحظه‌ای صورت می‌گیرد.

این رفتار شاید در لحظات کوتاهی مخاطب ما را آرام کند اما از این جهت که در این رفتارها صداقت کامل مشاهده نمی‌شود دوباره نا آرامی و نگرانی در افراد را در پی دارد، چراکه مرد یا زنی که بخواهد همسر خود را

نداشتن وجدان است. شاید برای خیلی‌ها اتفاق افتاده باشد که در محیط کار از رفتار حق به جانب همکاری دیگر به ستوه آمده و تحمل شرایط برای او دشوار گردد.

■ **کارمندی که کار می‌کند، کارمندی که از زیر کار**

در می‌رود

کارمندی را تصور کنید که بیشتر از همه تلاش می‌کند و چند برابر دیگران در محل کار زحمت می‌کشد و گاهی اوقات نیز از وقت شخصی خود برای انجام امور اداره می‌گذارد، هنگام دریافت حقوق نیز احساس رضایت خاطر و شکرگزاری دارد، او وجدان را در نظر گرفته است و به ندای آن پاسخ مثبت داده، به همین دلیل از عملکرد خود راضی و خشنود است و آرامش را در کنار کار خود به همراه دارد، اما در مقابل شخصی را در نظر بگیرید که در کار خود تنبلی می‌کند و کاری را به درستی پیش نمی‌برد، حتی گاهی اوقات از کار اداری جهت انجام امورات شخصی خود می‌زند، در آخر ماه نیز با گرفتن حقوق معترض است که چرا اضافه‌کار کم گرفته و حق او تضییع شده است.

اینگونه افراد وجدان و مسئولیت خود را نادیده می‌گیرند، به همین خاطر همیشه شاکی و ناراضی هستند و هیچ چیز آنها را راضی و خوشحال نمی‌کند.

یکی از ویژگی‌های مثبت و مفید فرهنگ و تمدن دو واژه وجدان و انضباط کاری هستند، اما چرا بعضی‌ها

به خود اجازه می‌دهند در محیط کار حقوق همکاران

را تضییع کنند، کار خود را پیش ببرند و این دو موضوع مهم را نادیده بگیرند؟

شاید به این دلیل است که سیاست‌های ادارات ما و

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

د

بیشترین زمان‌هایی که انسان وجدان را نادیده می‌گیرد مربوط به زمانی است که منافع شخصی‌اش در میان باشد و در واقع منافع شخصی پاشنه آشیل وجدان کاری است. کارمندی که از حضور و نداشتن مدیر برای راحتی خود در محیط کار استفاده و کم کاری می‌کند، ورود و خروجش به محل کار بدون در نظر گرفتن نظم و قاعده اداری است و مسائل زندگی شخصی‌اش را درون محیط کار می‌آورد و دیگر همکاران را با رفتارهای منمفعت‌طلبانه خود آزار می‌دهد یا کار ارباب رجوع را بی‌دلیل و از روی تنبلی به آینده موکول می‌کند و دیگران را معطل خود می‌گذارد، همه‌ا نمونه‌های نداشتن وجدان است

در بسیاری از موارد وجدان می‌تواند سر چشمه و منشأ خیر و اعمال نیک گردد، چراکه وجدان، منع‌کننده از بدی‌ها و تشویق‌کننده به خوبی‌هاست. اما چرا گاهی اوقات وجدان را نادیده می‌گیریم و بر خلاف ذات خیرخواهی و خداجویی فطرت انسان‌ها دست به اعمالی خلاف مقتضای آفریده برتر خداوند و صفات تعالی بشر می‌زنیم؟! مگر نه این است که انسان اشرف مخلوقات است و خداوند به ملائکه خود نسبت به آفرینش چنین موجودی فخر و مباهات کرده است؟

حتی جامعه در روابط میان انسان‌ها هشدار دهنده، کنترل‌کننده و متولد این واژه‌ها نیستند و مقوله آموزش در این زمینه و ایجاد حس نیاز به وجدان کاری و اجتماعی در افراد، نادیده گرفته شده است.

توجه نکردن به وجدان در مناسبات اجتماعی به این دلیل است که احساس نیاز به این امر در روحیه و منش برخی‌ها شکل نگرفته است. هر گاه افراد به این باور برسند که آرامش دیگران سبب آرامش در زندگی آنها نیز می‌شود هیچ‌کدام در محیط اداری یا هر محیط دیگری در رفتار و اعمال خود وجدان را نادیده نمی‌گیرند.

■ **وجدان کاری و اخلاقی و نتایج آن**

وجدان واژه‌ای است که ساده‌نوشته و خوانده می‌شود، اما درون آن بر است از رموز رسیدن به خوشبختی و آرامش. هر کس که وجدان دارد آرامش درونی و رضایت خاطر نیز از زندگی خود دارد. هر گاه کار ناپسندی انجام دهیم وجدان ما اقتدر درگیر و ناراحت می‌شود که آسودگی خاطر را از ما می‌گیرد، اما در عوض با انجام یک کار نیک و شایسته و جدان ما خشنود می‌شود و مارا بیشتر به سمت کار نیک تشویق می‌کند.

وجدان افرادی است که ساده‌نوشته و معاملات سهیم بدانند و تنها به منافع خود بدون در نظر گرفتن نفع و حقوق دیگران بسنده نکنند می‌توان شاهد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری آنها در محیط اداری و اجتماعی بود. شما چقدر در زندگی تان افراد خوب و باوجدان دیده‌اید؟ کسانی در جایی که انتظارش رانداشته‌اید کارتان را رانداخته و مهربانی‌شان را نثار شما کرده‌اند و چه حس خوشایندی از این نوع برخورد و رفتار خوب به شما دست داده و آرزو کرد‌اید

شادمانی‌اش بزرگ و مروتش کامل شود.»

۳. **تحمل سختی‌ها در زندگی:** بی‌شک دنیا همیشه طبق آنچه میل ماست، پیش نمی‌رود. طبیعت روزگار این است که گاهی بر خلاف خواست انسان حرکت کند. روزی طبق میل ما و روزی بر خلاف آن. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرمایند: «روزگار دو روز است (یعنی دو حالت دارد)، روزی به سود تو و روزی به زیانت. روزی با تو، روزی علیه تو.»

مهم این است که انسان در فراز و نشیب‌های دنیا بتواند مدیریتی از خود نشان دهد که مشکلات، او را به زانو در نیاورد. مدیریت زندگی به این معناست که اگر روزگار روزی به سود تو بود (و طبق دلخواهت پیش آمد) سر مست مشو و اگر به زیانت بود، بردباری کن (که بر اثر صبر نوبت ظفر آید). طبق تعبیر امیرمؤمنان، بدان که هر دو به زودی سپری می‌شوند. این تعبیر بسیار دلنشین است. چه روزگار بر وفق مرادت باشد یا برخلاف آن، مهم این است که می‌گذرد. کسانی که رفتار صادقانه دارند، به این نتیجه رسیده‌اند که رنج‌ها و مشکلات دنیا در گذر است. پس آنان را از مسیر صداقت خارج نمی‌کند. کسانی که صادقند، در مقابل قدرت تحمل‌شان بالا می‌رود و رنج‌ها برایشان آسان می‌شود. در نتیجه یکی از آثار مهم صداقت در زندگی همین است. هر که راستی و درستی طلبد، رنج‌ها بر او سبک شود.

۴. **برکت با صداقت:** یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های افراد، خوش‌یمنی، خوشبختی و برکت در زندگی است. برکت یعنی برندهای سودمند، ثابت و ماندگار حاکم شود. برای کسب برکت در زندگی راه‌های متعددی وجود دارد. یکی از راه‌های برکت و فایده‌ثابت و سودمند برای زندگی، با صادق بودن در گفتار و رفتار به دست می‌آید. کسانی که در زندگی صداقت دارند، در واقع با این صداقت‌شان روز به روز برای یک زندگی خوب تلاش می‌کنند و همین باعث نزول خیر و برکت در زندگی آنان می‌شود.

■ **کارشناس مذهبی و پژوهشگر سبک زندگی**

امام حسین (ع) حاضر نشدند با حکومت ظالمی – که هیچ مشروعیتی نداشت– پیمان ببندند و آن را به رسمیت بشناسند. خلیفه وقت «یزید» تنها بر جسم مردمش و نه روح‌شان حکومت می‌کرد. با وجود اعمال و کردار فسادآمیز و خلاف شرعش از امام حسین(ع) خواست تا با او و حکومتش بیعت کنند. از آنجا که امام حسین (ع)

کاهش تعداد این افراد در زندگی‌تان زیاد بود تا هر روز با احساس رضایت و خوشحالی با آنها ملاقات می‌کردید
راندته‌ای که قوانین رانندگی را رعایت می‌کند، کارمندی که کار مراجه‌کننده را به درستی انجام می‌دهد، فروشنده‌ای که گرانفروشی و احتکار نمی‌کند، مدیر و معاونی که در شغل خود منمفعت‌طلبی نمی‌کند و خیلی موارد دیگر که هر روز شاهد آن هستیم. اگر اتفاق نیفتد زندگی برای همه خوشایند و همه چیز زیبا می‌شود. وجدان، ثروت و دارایی نیست که به صورت ناعادلانه بین افراد تقسیم شده باشد، وجدان یک نیروی درونی است که خداوند به تمام افراد بشر در جهت گرایش و کشش به سمت خوبی‌ها هدیه کرده است. فرقی نمی‌کند در کجای دنیا و با چه ظاهر و موقعیتی باشیم. فقیر و غنی، رئیس و کارگر، کودک و بزرگسال، سیاستمدار یا یک جنم، هرچه باشیم وجدان که در کار نباشد چیزی جز یک جنم، بی‌ارزش و تو خالی نیستیم. یکی از صفاتی که سبب می‌شود انسان‌ها وجدان را سرلوحه کارشان قرار دهند اخلاق است. اخلاق کاری و اجتماعی مسئله‌ای است که باعث می‌شود افراد در مناسبات و امورات اداری و زندگی اجتماعی خود تعهد داشته باشند و وظایف خود را به نحو شایسته انجام دهند.

ارزش‌ها در باورهای دینی، اخلاقی و فرهنگی آشکار و باعث می‌شوند رفتارها و سبک زندگی مختلف برای افراد معنا یابد و ارزشی آنها سست و سوی معنوی و اخلاقی پیدا کند تا برای حفظ معنای زندگی و رسیدن به آرامش خود و دیگران شیوه‌ای بسپندیده در مناسبات اداری و روابط اجتماعی خود پیش بگیرند.

شادمانی‌اش بزرگ و مروتش کامل شود.»
۳. **تحمل سختی‌ها در زندگی:** بی‌شک دنیا همیشه طبق آنچه میل ماست، پیش نمی‌رود. طبیعت روزگار این است که گاهی بر خلاف خواست انسان حرکت کند. روزی طبق میل ما و روزی بر خلاف آن. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرمایند: «روزگار دو روز است (یعنی دو حالت دارد)، روزی به سود تو و روزی به زیانت. روزی با تو، روزی علیه تو.»

مهم این است که انسان در فراز و نشیب‌های دنیا بتواند مدیریتی از خود نشان دهد که مشکلات، او را به زانو در نیاورد. مدیریت زندگی به این معناست که اگر روزگار روزی به سود تو بود (و طبق دلخواهت پیش آمد) سر مست مشو و اگر به زیانت بود، بردباری کن (که بر اثر صبر نوبت ظفر آید). طبق تعبیر امیرمؤمنان، بدان که هر دو به زودی سپری می‌شوند. این تعبیر بسیار دلنشین است. چه روزگار بر وفق مرادت باشد یا برخلاف آن، مهم این است که می‌گذرد. کسانی که رفتار صادقانه دارند، به این نتیجه رسیده‌اند که رنج‌ها و مشکلات دنیا در گذر است. پس آنان را از مسیر صداقت خارج نمی‌کند. کسانی که صادقند، در مقابل مشکلات قدرت تحمل‌شان بالا می‌رود و رنج‌ها برایشان آسان می‌شود. در نتیجه یکی از آثار مهم صداقت در زندگی همین است. هر که راستی و درستی طلبد، رنج‌ها بر او سبک شود.

۴. **برکت با صداقت:** یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های افراد، خوش‌یمنی، خوشبختی و برکت در زندگی است. برکت یعنی برندهای سودمند، ثابت و ماندگار حاکم شود. برای کسب برکت در زندگی راه‌های متعددی وجود دارد. یکی از راه‌های برکت و فایده‌ثابت و سودمند برای زندگی، با صادق بودن در گفتار و رفتار به دست می‌آید. کسانی که در زندگی صداقت دارند، در واقع با این صداقت‌شان روز به روز برای یک زندگی خوب تلاش می‌کنند و همین باعث نزول خیر و برکت در زندگی آنان می‌شود.

سبک ایستادگی



سبک زندگی حسینی کاخ‌های ظلم و ستم را ویران می‌کند

محرّم؛ بزرگ‌ترین دانشگاه انسانیت

■ **محمدرضا سهیلی فر**

قرن‌هاست خون امام حسین (ع) از صفحات تاریخ به بیرون تراوش می‌کند و همچنان جاری است تا پیام فداکاری و ایستادگی واقعه کربلا را به جوامع بشری منتقل کند. سخنان ایشان از صحرای کربلا خیلی فراتر رفت چون نقش انسانی خود را برای اصلاح و هدایت جامعه و ریشه کنی حکومت ظلم و ستم به بهترین وجه ممکن ایفا کردند. ایشان به منظور رهایی مردم از زنجیر برده‌داری حرکت کردند. در نظر ایشان یک مرگ افتخارآمیز بسیار لذت‌بخش‌تر و شیرین‌تر از یک زندگی توأم با خواری و ذلت بود. ایشان زندگی خود را فدا کردند تا از اصول اخلاقی، انسانیت و اصول و ارزش‌های دینی محافظت کنند و اینگونه است که محرّم را می‌توان بزرگ‌ترین دانشگاه انسانیت دانست.

می‌شوند. از آغاز تاریخ، همیشه نبردی بین حق و باطل وجود داشته است. به عنوان مثال، هنگامی که قایل هابیل را به قتل رساند، اولین قطره خون روی زمین ریخته و جنگ بین حق و باطل آغاز گردید و پس از آن احزاب الله و احزاب شیطان ظاهر شدند. موسی(ع) علیه پادشاه زمان خود فرعون به پا خاست و قصر حکومتی وی را نوه پیامبر اکرم (ص) بودند و شخصیتی فرهمند و پر جذبه بین اعراب زمان خود محسوب می‌شدند، ایشان با سلطنت یزید به او و نظام اموی اعتبار و مشروعیت می‌بخشید. از این رو، ایشان برای احیا و زنده نگه داشتن ارزش‌های دینی و اخلاقی، نه تنها از این کار امتناع ورزیدند، بلکه نسبت به رژیم مستبد او مرانه و آواکش نشان دادند. به‌رغم تمام شُبهت و سرکوب‌های دشمن، کفه پیام انسانی، دفاع از اعتقادات و اصول دین، ظلم‌ستیزی و از خودگذشتگی در واقعه کربلا از کفه حزن‌انگیز این انقلاب امام حسین (ع)

وزین‌تر بود و از آن بیسی می‌گیرد. گرچه ایشان همراه خانواده و همراهان روی شن‌های سوزان دستت کربلا به طرز بی‌رحمانه‌ای به شهادت رسیدند، با این وجود خون ایشان بر شمشیر پیروز شد. به تعبیر، خون امام صحنه کربلا را برای مردم متحلم شدند، یعنی صرفاً شرح روایتی از مشقت‌ها و ناملایماتی که گوهی از مردم متحلم شدند، نیست. آنها که در ایام محرم اشک می‌ریزند نباید از پیام‌های مقدس این واقعه تاریخی غافل شوند. محرم نماد‌بهترین روح بشری و میثاقی اخلاقی بوده و است. بنابراین همه باید ژرفاندیشانه به پیام‌ها و درس‌هایی که کربلا به جوامع بشری می‌آموزد، توجه کنیم. امام حسین(ع) رسالت فداکاری خود را با کلمات و جملات خویش اینچنین بیان می‌فرماید: «من این قیام را از سر خودخواهی و تکبر و برای فساد و ستمگری نکردم. من برای اصلاح امت جدم برخاستم.م. من به پا خاستم تا برای امر به معروف و نهی از منکر و به سیره و سنت جدم و پدرم علی‌بن‌ابیطالب (ع) عمل کنم. آیا نمی‌بینید که به حق نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد؟ در چنین وضعی مؤمن به لقای خدا سسزاوار است. من مرگ را جز سعادت و زندگی باظالمان راجز هلاکت و ذلت نمی‌بینم.» «به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آنهاست و مادام که برای معیشت آنها باشد پیرامون آن هستند و وقتی به بالا آمده شوند، دینداران اند کنند.» مطابق جهان‌بینی اسلام، همه آنبیا توسط خداوند متعال برای نجات مردم فرستاده شده‌اند. آنها وارث یکدیگر بودند و برای همین هدف تلاش کردند. این استمرار تاریخی نبوت با بعثت محمد(ص) آخرین پیامبر الهی به پایان رسید. براساس ایدئولوژی مسلمانان شیعه مذهب، این مسئولیت پس از رحلت محمد(ص) بسر دوش ائمه قرار گرفت. از این رو، ائمه وارثین پیامبران مقدس محسوب

د

«**دوار گیبون**» مورخ انگلیسی در مورد فداکاری بزرگ امام حسین (ع) گفت: «در عصری کهین و اقلیمی دوردست، صحنه‌ها و ماجرای تأس‌فبار و غم‌انگیز مردم ساخته شدند، ویران می‌کند. امام تقصیم می‌گیرند باورهای دینی، ارزش‌های اخلاقی، هنجارها و اصول اجتماعی را که پس از مرگ عنکاب پدر بزرگ‌شان رسول خدا به فراموشی سپرده شده بودند، احیا کنند. ایشان با قیام خود از دگرگونی و تغییر ماهیت سنت اسلامی جلوگیری می‌کنند. آیا سیاه و تجهیزات نظامی داشتند؟ خیر. بازوی ایشان خونشان است و لشکرشان خانواده و اهل بیت و گروه کوچکی از اصحابشان هستند! ایشان برای غرق کردن حکومت ظالم اقبانوسی می‌سازند و خونشان قصر ستمگران را به لرزه در می‌آورد. مخلص کلام، تا عصر حاضر خون امام همچنان حیات تازه‌ای را به جوامع اسلامی تزریق می‌کند و مردان را به قیام و ایستادگی در برابر ظلم و فساد فرامی‌خواند.

■ **برگرفته از سایت نشر به: outlook.net**